

۴۹۱۲

فلسفه برای همه

سیر اندیشه

نگاهی به فلسفه کهن

پوئاگوریان

دفتر سوم

م. پرمون

۴۹۱۲

دفتر چهارم: آتمیست‌ها، اجسام بسیط

نگاهی به فلسفه کهن:

ایران، هند، چین، مصر و بابل

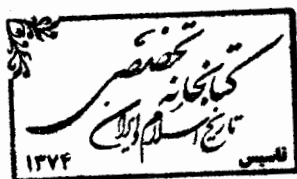
جهان کتاب

مطالب این دفتر برداشتی است از
کتابهای فلسفی. و همه تلاش برای
آسان شدن مطلب بکار رفته است.
مطالب این دفتر گرچه آسان نگاشته
شده است ولی راه آسان گرایی را
تشویق نمی‌کند بلکه کوششی است
برای آگاهی و بینشی درخور ایجاد
قدرت اندیشه و تفکر و معرفت.

شماره ثبت کتابخانه ملی؟

نگاهی به فلسفه کهن

(دفتر سوم)



م . پرمون



تهران - خیابان شاهرزاد و بروی دانشگاه

نگاهی به فلسفه کهن (دفتر سوم)
م. ۰ پرمون

تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه
چاپ اول - تیرماه پنجاه و چهار

چاپ چاپخانه خورشید

حروفچینی از آرش تایپ - مقابل دانشگاه - تلفن ۶۶۲۴۲۱

نگاهی به فلسفه کهن

پوθαگوراس (فیثاغورث) Puthagoras

همه چیز عدد است " نخست ، روح یک موجود باقی است و به شکل انواع دیگری از موجودات زنده درمی آید ، دیگر اینکه هر چیزی که قدم به جهان هستی می گذارد پس از گذراندن دوران معینی دوباره به دنیا می آید و بنابراین هیچ چیزی مطلقاً " جدید نیست و دیگر اینکه با موجوداتی که زنده به دنیای آیند باید مهربانی کرد^۱ " از تعلیمات پوθαگوراس .

در قرن پنجم قبل از میلاد یونان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی وضع نابهنجاری داشت چون طبقه اشراف به بیکاری و تن آسائی عادت کرده بودند نتیجه آنکه از بردگان مدام کار می کشیدند و طبقه آزاد گرچه مانند غلامان از شرکت در امور سیاسی ممنوع بودند ولی مجبور به انجام کار اجباری نبودند . از طرف دیگر دموکراتها با اشراف و مالکین قدیم به مبارزه برخاسته بودند که بیشتر وضع یونان را متشنج می کرد . در این شرایط آنها یک ماده مادی و منطقی فکر می کردند از جبهه دموکراتها بودند و دانشمندان وابسته به جبهه اشراف انگارگرا بودند .

چنانکه خواهیم دید طرفداران پوθαگوراس اولین کسانی بودند که گام های نخستین به سوی انگارگرایی برداشتند " تصورات مذهبی - افسانه ای ارفئوسی درباره جسم و روح (که با تخیلات مربوط به پیدایش خدایان ، جهان و انسان ارتباط داشت) الهام بخش فیثاغورثیان واقع شد . پندارهای ارفئوسی اساس تعبیر انگارگرایی روح انسان توسط فیثاغورثیان را تشکیل

۱- برتراند راسل تاریخ فلسفه غرب ترجمه نجف دریا بندری

می‌دهد...^۲ بدین طریق طرفداران پوئاگوراس جهان‌بینی خود را بر روی مفهومات انتزاعی بنانهادند و چرخش قطعی به سمت انگارگرایی به وسیله پوئاگوراس (۵۰۰-۵۸۰) و سقراط (۳۹۹-۴۶۹) انجام گرفت.

پوئاگوراس پسر منسارخس نقاش (Mnesarxos) در جزیره ساموس (Samos) از توابع ایونیا به دنیا آمده است، که فرمانروای آن مردی بود به نام پولیکراتس که در ۵۲۲ اعدام شد. بسیار هرزه و خودگامه که با ثروت خود نیروی دریائی بزرگی تشکیل داد که آنرا بیشتر به دزدی دریائی به کار می‌برد.

با اینکه پولیکراتس مشوق هنرهای زیبا بود با این وصف پوئاگوراس از او متنفر بود و مجبور شد ساموس را ترک کند و به مصر و سوریه و فنیقیه و کلدیه و هندوگاله برود. پوئاگوراس پس از جهانگردی در کروتون Kroton در جنوب ایتالیا اقامت گزید و در آنجا به کمک پیروانش که در حدود سیصد نفر می‌شدند مدرسه‌ای علمی و انجمن دینی را بنیاد نهاد گرچه تا سیس‌ایس مجامع اختصاص به پوئاگوریان نداشت.

یکی از مظاهر تجدید حیات دینی در قرن ششم پیداشدن انجمن-هائی از مردم بود که هر کدام اصول و عقاید خاصی را مورد تقدیس قرار می‌دادند این اجتماعات طبیعتاً " شکل انجمن‌های برادری و اخوت را پیدا می‌کرده است زیرا مردان و زنانی که در اسرار و رموز یک نوع لاهوت و طریقت بایکدیگر شرکت داشتند همچون اعضای یک خانواده برادر و خواهر می‌شدند و میراث مشترک خود را از هجوم بیگانگان محفوظ نگاه می‌داشتند مانند مجامع ارفئیان در یونان آن روزگار شایع بود و در این انجمن افراد آن با هم به کسب دانش و فرازنگی می‌کوشیدند. این انجمن بر روی زن و مرد و بیگانگان گشوده بود در تعلیمات پوئاگوراس جنبه علمی و جنبه‌ای که بیشتر از آن

۲- سوکولوف مقدمه‌ای بر سیر فلسفه در جهان باستانی و قرون وسطی ترجمه مجید کلکته‌چی

۳- جرج سارتن تاریخ علم ترجمه احمد آرام

مشهور شده است راه ورسم زندگی کردن بود. پوئاکوریان می پنداشتند روح پس از مرگ ممکن است وارد بدن دیگران یا جانوران شود و معلوم نیست که این عقیده را پوئاکوراس از خودش ساخته یا از هندی ها و سایر اقوام شرقی گرفته است. آنها می گفتند باید در اثر ریاضت، صفا، پاکی خود را از (چرخ تولد) رهائی بخشید^۴ (زایش دوباره) . شیوه دینی پوئاکوراس پالایش است.

تعلیمات علمی: برنامه تدریس پوئاکوراس هندسه و حساب^۵ و نجوم و موسیقی بود و ریاضیات در آغاز برنامه تدریس می شد و پس از هندسه به تدریس حساب می پرداخت (برخلاف برنامه کنونی) .

در فلسفه پوئاکوراس مطالعه خواص اعداد جای خاصی دارد چون برای بسط نظریه اسرارآمیز می بایست خود این اعداد و خواص آنها شناخته شود.

عدد: دانستیم طالس، اناکسیماندروس، اناکسیمنس اساس و خمیرمایه جهان را از ماده نخستین می دانستند. پوئاکوراس هم می گفت عددها در تمامی طبیعت چیزهای نخستین اند و در وعظ اظهار داشت که: طبیعت به تمام و کمال و همه کائنات و " هر چیز " ریاضی و فیزیکی و متافیزیکی و اخلاق همه متکی بر نمونه " منفصل " اعداد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ میباشد و می توانند به وسیله این عناصر که خداوند در اختیار گذارده است تعبیر شوند همواره اظهار کرده بود که " خدا همان عدد است " و مقصود وی از عدد همان اعداد صحیح بوده اند^۶ و مشاهده می شود که پوئاکوریان

۴- در هند این عقیده رواج داشت انسان حتی با مرگ هم نمی تواند از تسلط عالم بی منفذ خارج شود چون روح انا چارند دوباره به عالمی که در آن بوده اند مراجعت نمایند و اگر شخص می خواهد از این عالم فرار کند راهش اینست که شخص خود را تخلیه نماید این امر هم با ریاضت و ترک کردن دنیا حاصل می شود.

۵- علم حساب آن زمان بعنوان وسیله شمارش آموخته نمیشد بلکه تنها نظریاتی در باره اعداد می داد ظاهراً " در مکتب فیثاغورثی برای نخستین بار عدد به جفت و تک و نیز به عدد اصم قابل انقسام گردید. ویل دورانت یونان باستانی

۱- ح آریان پور، ع احمدی
۶- آریک تمپل بل ریاضی دانان نامی (ترجمه رضا صفاری)

عدد را که در اثر پیشرفت دانش و زندگی مادی بشر از اشیاء خارجی گرفته شده و کار آن بحث کمی در طبیعت بود یعنی برای نشان دادن مشخصات کمی محسوسات برقرار شده است آنرا علت نخستین طبیعت و نیروی خلاقه قضایای جهان می‌پذیرند به صورتی صوفی منشانه بر عدد مفهوم یک وجود مطلق ازلی و ابدی غیر مادی و متافیزیکی می‌دهند. به نظر می‌رسد پوئاگوریان و مطلقه کردن عدد کاملاً "از ماده‌گرایی تجریدی پوئاگوراس دوری گزیدند و در انگار گرایی کلی غرق شدند و نتیجه بسط این تجرید غیر علمی مفهومات می‌باشد.

"پوئاگوریان تصور می‌کردند که عناصر اعداد عناصر همه چیزند و همه کیهان یک هماهنگی موسیقی (هارمونی) و عدد است و هر گونه همانندی‌هایی را که می‌توانستند در میان اعداد و هماهنگی‌های موسیقی با خصوصیات و حدود کیهان و همه نظام جهانی نشان دهند، همراه گرد آوردند و برهم نهادند و اگر هم در جایی نقصان بود آنها به آن چیزی می‌افزودند تا شیوه کار خود را کامل و یکپارچه سازند. ۷"

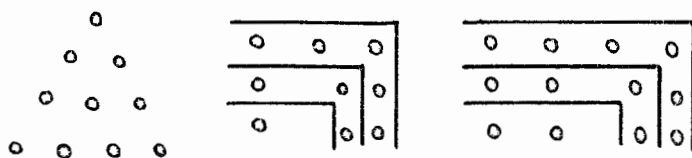
پوئاگوریان گمان می‌کردند که عدد اصل هستی است یعنی هم پایه وجود است و هم سازنده حالات و وجوه ارشاد و به عقیده آنها همه اشیاء از دو عنصر متشکله عددی (محدود و نامحدود) پدید آمده‌اند و عدد جفت را نامحدود یا بی‌انتهای و عدد طاق را محدود یا با انتها می‌دانند و از این تشابه طاق به محدود و جفت به نامحدود نتیجه می‌گرفتند که هر حقیقتی از دو عنصر متضاد تشکیل یافته ولی این دو عنصر با هم دارای هارمونی (هماهنگی) هستند.

اعداد طاق و زوج و تضاد یگانه و بسیار، در حکم مبداء بروز اختلافات به منزله علت حوادث گوناگون جهان است.

اعداد بر حسب اینکه طاق یا جفت، یگانه یا بسیار، بر دو دسته متضاد و متمایز بخش می‌شوند. عدد یک هم زوج است هم طاق به این علت

که با اضافه کردن (یک) به هر عدد آن عدد را اگر زوج باشد طاق کند و اگر آن عدد طاق باشد آنرا زوج می‌کند و در عین حال (یک) از ویژگی‌های طاق و جفت ، یگانه و بسیار تهی است ، همه ویژگی‌های ذکر شده را در بر می‌گیرد . چون (یک مطلق) از نظر پوئاگوریان منشاء نخستین عالم وجود و پایه اولین ریشه اعداد است واحد را حقیقت عدد خواندند . پوئاگوریان با آنکه تظاهر هستی را به شکل اعداد می‌دانستند (محدود ، نامحدود) ولی برای محدود و نامحدود ماهیت مختلف (مانند خاک و آتش) قائل بودند ، چون عدد را ماهیت همه چیز می‌دانستند ^۸ . آنها تمام شکل‌های وجود را قابل اندازه‌گیری و شمارش می‌دانستند .

پوئاگوریان از نقطه‌ها برای نشان دادن عدد استفاده می‌کردند و این نقاط بر حسب ترتیب هندسی مرتب می‌شده است . نتیجه آنکه از مجموعه‌هایی از اعداد شکل‌هایی پدید آوردند فی‌المثل اشکال مثلث نمایانگر اعدادی که می‌توان آنها را به شکل مثلث در کنار هم قرارداد (اعداد ۱، ۳، ۶، ۱۰) یا اعداد مربع که قابل نمایش با نقاطی است که می‌شد به شکل مربع دور هم گذاشت مانند (۴ و ۹) و اعداد مستطیلی (۶ و ۱۲) اصطلاحات مربع اعداد و مکعب اعداد را از پوئاگوراس گرفته‌ایم .



ش ۳ اعداد مستطیلی^۹ ش ۲ اعداد مربعی ش ۱ اعداد مثلثی

۸- (...) رای خاص فیثاغورثی راجع به تکوین عالم باره‌ای مشهوری که به فیثاغورث استناد شده و به موجب آن تمام اشیاء از اعداد برآمده است ارتباط مشهودی ندارد) امیل بریه تاریخ فلسفه در دوره یونانی ترجمه علی مراد داودی

پوئاگوریان عدد را به عنوان نماد (Symbol) به کار گرفته‌اند فی‌المثل عدد ۳ نمودار ازدواج و عدد ۷ نشانه‌ای از فرصت و عدد ۴ عدالت است . پوئاگوراس و پیروان او برای عدد ۴ اهمیت فراوانی قائل بودند زیرا می‌گفتند اگر اعداد را از واحد تا چهار با هم جمع کنیم عدد ۱۰ یا (تتراکتوس Tetractys) به دست می‌آید $1 + 2 + 3 + 4 = 10$ و عدد ۱۰ را کامل و آن را مقدس می‌دانستند و به آن سوگند می‌خوردند^{۱۰} .

پوئاگوریان عدد ده (Deka) را دارای خصائص خلاقه و نیروی ایجاد کننده می‌دانستند همچنین (یک) نماینده مناد (Monade) (۲) نماینده جفت (۳) نماینده طاق و (۴) نماینده مربع است ضمناً " مناد نماینده عدد ، جفت نماینده خط ، طاق نماینده سطح و مربع نماینده حجم است^{۱۱} .

چنانکه دیدیم پوئاگوریان عدد ده را کامل و مقدس و اجرام آسمانی را ده می‌دانستند ولی چون ۹ عدد آنها به چشم می‌آید همین‌را چیزی بنام ضد زمین (آنتی‌خثونا Antichthone) تصور می‌کردند . اجرامی را که یونانیان می‌شناختند : خورشید ، ماه ، زحل ، مشتری ، مریخ ، زهره ، عطارد و زمین ، کهکشان و ضد زمین (بر خلاف دانشمندان یونان پوئاگوریان زمین را در مرکز زمین نمی‌دانستند) بلکه آتش را در وسط قرار می‌دادند و زمین را مانند سیاره‌ای می‌دانستند که دورادور این جسم کروی در حال دوران است آنها کره آتشی را غیر از خورشید می‌دانستند .

پوئاگوریان عقیده داشتند که اجرام آسمانی در جریان حرکت آواز

۹- یونانیان قبلاً " اعداد را بوسیله برخی حروف الفبا نشان میدادند مثلاً " حرف $A = 1$, $B = 2$, $\Gamma = 3$, $\Delta = 4$, $E = 5$, $Z = 6$, $H = 7$, $\Theta = 8$, $I = 9$ بوده است و پوئاگوریان شیوه مذکور را پذیرفته‌اند

۱۰- "نی سوگند بآن کسی که به سردودمان ماتتراکتوس را بخشیده است که در خود سرچشمه و ریشه طبیعت جاویدان را دارا است . دکتر شرف‌الدین خراسانی نخستین فیلسوفان یونان . انتشارات فرانکلین

۱۱- (. . . . یک نقطه است ، دو خط ، سه مثلث ، چهار هرم) دکتر شرف‌الدین خراسانی

هائی پدید می‌آورند که دارای آهنگهای مختلفی هستند آهنگ و نغمه هر کره از روی فاصله‌های کرات تعیین می‌شود و این فاصله‌ها باهم در تناسبند و نسبت‌های آنان با فواصل (Interval) موسیقی مطابقت می‌کند، از اینجا صدای موزون کرات متحرک پدیدار می‌شود^{۱۲} فروغی درباره فلسفه پوئاگوریان می‌نویسد " کلیته در فلسفه فیثاغورس علوم ریاضی اهمیت تمام داشته و او عدد را اصل وجود پنداشته و همه امور را نتیجه ترکیب اعداد و نسبت‌های آنها دانسته است. چون باین نکته برخورد کرده است که ترکیب صوت‌ها در تولید نغمات تابع تناسبات عددی می‌باشد، موسیقی را نیز مانند هندسه و نجوم از رشته‌های علوم ریاضی و کلیه نظام عالم را تابع عدد می‌شمارد و هرجوادی را مادی باشد یا معنوی با یکی از اعداد مطابق می‌دانند. . . . "

دیدیم که اشیاء و اجزاء عالم به عقیده پوئاگوریان هر یک با عددی مطابقت دارند و تمام صور وجود را قابل اندازه‌گیری و شمارش می‌دانستند. همچنین عدد در نظر آنها حقیقت اشیاء است و واحد حقیقت اعداد و اصل تمام حقایق، شناسائی جهان و قوانین علت و معلول حوادث آن در همان حال به منزله معرفت بر اعدادی است که حاکم و اداره کننده نمودهای مختلف طبیعت اند و نیز وقتی معلومات ما در باره اشیاء و قضایا کامل و عمیق است که بر حقیقت این اشیاء و قضایا یعنی اعدادی که از حیث تناسب و توازن آنها اینها تحقق یافته‌اند، علم حاصل گردد.

پوئاگوریان نظم و ترتیب نمودهای طبیعی را نتیجه تناسب و توازن اعداد می‌دانستند و نسبت‌های عددی را Proportion مقادیر متوسط می‌گفتند و برای آنها اهمیت زیادی قائل می‌شدند^{۱۳}.

۱۲- فریدون - کار فلسفه کهن یونان

۱۳- عدد بر دنیای پوئاگوریان حکمفرمایی داشت

عدد طبیعی، عدد صحیح و نه عدد به مفهوم جدید کلمه، حکومتی باشکوه داشت. اما دنیای پوئاگوریان مانند دنیای ما نبود که از ادراک مستقیم حسی تجاوز می‌کند، با اختراعات متعددی که قسمت اساسی

نظریات پوناگوراس در باب توازن و تناسب بخصوص دارای دید سیاسی است و بیش از همه اشراف را با تمایلات ارتجاعی آنها که برگشت به عصر طلائی

زندگی روزانه ما را می سازد ، با این همه شکوه اسرار آمیز تجلی می کند . دنیای یونانیان محدود به اشیائی بود که در دسترس مستقیم حواس قرار داشت . پوناگوریان در هم آهنگی های صوتی تأییدی از فلسفه عددی خود را می دیدند . هم آهنگی بینائی و لامسه در اشکال کامل هندسی بسیار عالی بود . دایره ، کره ، کثیرالاضلاع منتظم و احجام کامل اجزائی بودند که مهندس فلکی در ساختمان جهان آنها را به کار برده بود . آنچه که با اعتماد انتظارش می رفت این بود که در اینجانباز عدد می بایست حکومت باشکوه خود را داشته باشد . پایه هندسی فیثاغورسی این بود که " نقطه واحد وضع و مکان است " در دنبال این صنعت سخن پردازی به تصور خط می رسمیم که آن را اتم های درپی یکدیگر ردیف شده می پنداشتند . درست مانند گلوبندی که از دانه های متوالی درست شده است . اتمها ممکن است تا این حد کوچک باشند اما تماماً " دارای جوهری یکنواخت و اندازه های برابراند و آنها را می توان به عنوان واحدهائی اندازه پذیرفت ، بنابراین وقتی دو قطعه خط مفروض باشند ، نسبت طول آنها تنها نسبت تعداد اتم های موجود در هر یک از آنهاست . البته همین امر برای اضلاع هر مثلث و بخصوص در مثلث قائم - الزاویه صادق بود .

فیثاغورسیان مثلث طلائی را که اضلاع آن به نسبت $۵:۴:۳$ بود از مصر به کشور خود بردند بزودی مثلث های فیثاغورسی دیگر مانند $۵:۱۲:۱۳$ کشف شد . دلایل برای این اعتقاد که تمام مثلث ها گویا هستند به وجود آمد . اما بهیچوجه به این مساله که بعضی از مثلث ها در حقیقت اغلب آنها ، تابع چنین قانونی نیستند برخورد نشد . زیرا بهر حال نسبت های اضلاع به صورت اعدادی بزرگ و طولانی در می آید و فن محاسبه یونانیان در آنوقت بسیار ابتدائی و محدود بود .

مدت زمانی وضع بدین منوال بود . مشاهده چنین مثلث هائی به کشفی عمده منجر شد که تا با امروز نام فیثاغورس را بخود گرفته است و یکی از قضایای اساسی هندسه رسمی را میسازد این قضیه عبارتست :

" در هر مثلث قائم الزاویه مجموع دو مربع که بر روی ساق ها ساخته شود برابر است با مربعی که بر روی وتر بنا گردد .

..... اینک فیثاغورس قضیه خود را از راه استدلال قیاسی اثبات کرده باشد مورد شک است بیشتر محتمل است که این کار محصول تجربه باشد . اینک فیثاغورس راه اثبات قاطعی برای این قضیه داشته باشد احتمال فراوان ندارد . او و شاگردانش اهمیت زیادی برای آن قائل بودند زیرا در آن " اتحاد لاینفک

که دوره فرمانروائی مطلق آنها بود نمایان می سازد و این امر با فشاری و اصرار پوئاگوریان که می خواستند حکومت طبقه اشراف را "متناسب، موزون" معرفی کنند معلوم می شود بخصوص آنچه که مربوط به خواسته های مردم بود عصیان و سرپیچی سیاه تلقی می کردند کاملاً آشکار بود که حکومت طبقه اشراف را امری اخلاقی و دینی می دانستند و برعکس آنچه را که مردم طلب می کردند بسیار ناپسند و نامعقول و گرایشی نامطلوب قلمداد می کردند.

"پوئاگوریان می پنداشتند که جز اشراف کسی رایارای دستیابی به آئین آنان نیست و این آئین باید اشرافیت رایاری کند تا برتوده خلق تسلط یابد" ۱۴ پوئاگوراس عقیده داشت که تظاهر هستی همیشه دارای یک یا چند تضاد است و خود این تضادها هم به وجود آورنده تضادهای دیگری باشند. تضادهای نخستین ده نوع است که ۱- حدود و نامحدود (کران و بیکران) ۲- طاق و جفت ۳- یک و بسیار ۴- راست و چپ ۵- نر و ماده ۶- متحرک و ساکن ۷- خمیده و راست ۸- روشنائی و تاریکی ۹- نیکو بد ۱۰- چهاربروچندبر. پوئاگوریان می گفتند (اضداد اصل اشیا هستند).

بین هندسه و حساب "را مشاهده می کردند که موبد تازه ای برای این گفته آنها بود که "عدد بر جهان حکومت دارد". اما عمر این فیروزی کوتاه بود. در واقع یکی از نتایج بلا فصل قضیه کشف دیگر بود و معلوم شد که قطر مربع قابل اندازه گیری با ضلع آن اندازه پذیر نیست... اما هر که می خواهد کاشف آن باشد. در میان فیثاغورسیان سرگیجه و حیرت زدی زیادی فراهم ساخت نامی که باین گونه کمیات داده شد می تواند گواه صادقی بر این امر باشد این طولهای با یکدیگر اندازه ناپذیر را به نام آلوگون Alogon یا ناگفتنی نامیدند و اعضای فرقه سوگند یاد کردند تا وجود آنها را برای دیگران فاش نسازند پرده از روی نقص در کار معمار بزرگ جهان برداشته شد و لازم بود که در محاق استتار نگهداری شود و مبادا غضب او بر مردم فرود آید... حادثه مقدیر اهم انحطاط فیثاغورسیگری را به عنوان دستگاهی از فلسفه نشان می داد معلوم شد که آنچه را فیثاغورسیان در باره توافق کامل بین اشیا حساسی و اشیا هندسه موعظه می کردند شوخی و فریبی بیش نیست. عدد، که حتی جوابگوی ساده ترین چهره های عالم یعنی هندسه نیست چگونه می تواند بر آن حکمفرمائی کند. بدین سان اولین کوشش برای بیان کامل طبیعت با عدد پایان یافت "کتاب عدد زبان علم تالیف تو بیاس دانشیک ترجمه مهندس عباس گرمان".

حدود و نامحدود برای پوئاکوریان اهمیت بیشتری دارد زیرا " حد " در عقاید فلسفی و اخلاقی و دینی پوئاکوراس نقش مهمی دارد و انگهی حد در فلسفه پوئاکوریان مهمترین صنعت ذاتی علت و علتهاست و آنچه که جالب توجه هست کوشش طرفداران پوئاکوراس برای تشریح حد و عمومیت دادن آنست و پافشاری این طرفداران و توجیه آنها از (پیروی نظام طبیعت) آنستکه بخواهند این موضوع را با فرمانبرداری از طبقه حکومت اشراف Aristocracy که یک فکر سیاسی است منطبق سازند . در فلسفه پوئاکوراس کاملاً " عیان است که میخواهد اطاعت و فرمانبرداری مردم از طبقه اشراف را یک نمود طبیعی جلوه گر سازد و فرمانروائی بی بند و بار اشراف را امری منطقی نشان دهد . پوئاکوریان سه اصل (اخلاق ، مذهب و دانش) را بنیادی برای جهان بینی خود لازم میدانستند با بررسی این سه اصل نحوه حکمت پوئاکوراس کاملاً روشن میشود .

اصول اخلاقی پوئاکوراس پیروی و اطاعت مردم از اشراف^{۱۵} و عادلانه و مشروع دانستن این فرمانروائی است . مذهب هم در خدمت اشراف بود بدین معنی فرمانبرداری بشرا از اشراف پیروی از او امر و خواست خدایان است که از طریق مذهب تلقین میشود آنچه که معلوم میشود پوئاکوریان از اخلاق و مذهب در هر شرایط و هر شکلی برای برقراری فرمانروائی اشراف استفاده می کردند و وظیفه دانش هم کاملاً " مشخص است زیرا در چنان شرایط دانش میبایستی در خدمت اخلاق و مذهب باشد بنا بر این بنیاد تمام نظریه های مذهبی ، فلسفی ، علمی ، اخلاقی پوئاکوریان بر پایه فرمانبرداری از اریستوکرات ها (اشراف) که امری طبیعی و ضرورتی تلقی میشد بنا شده است و جنبه الهام کننده و هدف نهائی فعالیت های پوئاکوریان بشمار می آید

۱۴- تاریخ جهان باستان جلد دوم یونان ترجمه مهندس صادق انصاری، دکتر علی الهمدانی و محمد باقر مومنی

۱۵- یک آقای اشرافی را باید اینطور تعریف کرد (فردی از جامعه ای که از افراد متساوی الحقوق تشکیل شده و آن جامعه از دسترنج بردگان یا بهر حال از دسترنج کسانی که پستی و خواریشان مسلم است گذران کند) برتراند راسل تاریخ فلسفه غرب ترجمه نجف دریابندری



عقاید پوئاگوریان با اینکه صورت تجرد داشت ولی به واقعیت جهان مادی و استقلال خارجی اشیاء ایمان داشت ولی با مطالعه عقاید پیروان او مشاهده می شود که آنها از ماده گرایی منحرف شده در عقاید مکتب افلاطون تحلیل رفته اند. یعنی به یک جهان بینی (انگارگرائی) رسیدند. چنانکه گفته شد اضداد در نظر طرفداران پوئاگوراس به صورت مجرد و جدا از هم بود و این خود دید (متافیزیکی) است در حالیکه هراکلیتوس اضداد را بهم مربوط و پیوسته می دانسته که بیکدیگر تبدیل می شوند. اساس مسائل پوئاگوریان بر اصول متافیزیکی بود و در نتیجه آنچه که مربوط به دیالکتیک میشد بصورت خشک و جامد در می آمد و بقول هگل بدون سیر تحولی و فاقد جنبه دیالکتیک بود.

پوئاگوریان در زمانی می زیستند که از (فیزیک، شیمی، روانشناسی زیست شناسی ...) یعنی علوم دقیقه اطلاع بسیار کمی در دسترس بود، از طرف دیگر آنها در ریاضیات بویژه در هندسه پیشرفت های مهمی داشتند. تبهر پوئاگوریان در ریاضیات و پیشرفت این دانش در آن دوره و نقش اساسی قضیه های ریاضی در منطق در پیدایش فرضیه های پوئاگوریان تاثیر فراوان داشت و نویسندگان کتابهای تاریخ ریاضی کشف قضیه عروس و اختراع جدول ضرب را به پوئاگوراس نسبت می دهند^{۱۶}.

۱- خلاصه آنکه پوئاگوریان برای نخستین بار اولین گام را بسوی انگارگرائی برداشتند و جهان بینی خود را بر روی مفهومات انتزاعی (Abs-tract concept) بنانهادند.

۲- تعلیمات پوئاگوراس در نظر طرفداران وی یک رشته (کلمات مقدس) بود و مخالفت یونانیان دموکرات را بر می انگیزته است و تعلیمات پوئاگوراس بمنزله مسلک خاص اریستوکراسی تلقی میشد و یونانیان دموکرات منش انجمن

۱۶- در تاریخ علم تألیف جرج سارتن ترجمه آرام صفحه ۲۱۹ نوشته شده است (جدول ضرب که در بسیاری از زبانها بنام جدول فیثاغورث - نامیده میشود بطور قطع از ساخته های قیثاغورث نیست.....)

و اتحادیه پوئاگوراس راهستو سنگر ارتجاع زمان و بزرگترین تشکیلات ضد ملی میدانستند و با پوئاگوراس که غیرمستقیم در امور دولتی مداخله میکرد و آنرا تحت تاثیر قرار می داد دشمنی می ورزیدند و اتحادیه وی را به عنوان مدافع اریستوکراسی اهمیت می دادند و این انجمنها را به نام سوندريا Sunedria می خواندند که مورد نفرت شدید ملت یونان قرار گرفته به نحویکه این انجمنها را به آتش کشیدند و پیروان او را مورد آزار و پیگرد قرار دادند بطور کلی در هر شهر دموکراسی غلبه می کرد این وضع نسبت به اتحادیه های پوئاگوریان جریان پیدامی کرد.

۳- از آنچه که در بالا آمد معلوم میشود که مبارزه سیاسی بین نیروهای غیرمترقی و طرفداران آنها از یکطرف و نیروهای مترقی اجتماع همراه با فیلسوف های خود از طرف دیگر هر چه بمرحله قطعی نزدیکتر میشد یعنی زمانی که ماندن یکی و از بین رفتن دیگری قطعیت پیدا می کرد مبارزه بصورت کشتار درمی آمد و هرجاملت پیروز میشد اموال اریستوکراتها را مصادره و طرفداران پوئاگوراس را از بین می بردند و هرجا اریستوکراسی غالب می شد از بین بردن توده مردم و کشتار مخالفین اصول اشرافیت جزء برنامه روز دولت وقت می شد.

۴- علت وجودی و پیشرفت فلسفه پوئاگوراس را باید نیاز اشرافیت قدیم یونان به نگرش نوینی دانست (Theory) که بتواند از منافع آن دفاع کند و می بینیم که این فلسفه وسیله موثری در دفاع از ارتجاعی ترین محافل بود.

۵- قریب دویست سال که فلسفه پوئاگوراس سیر تکاملی خود را می پیمود مراحل مختلفی را گذرانده است که می توانیم آنرا بین جهان بینی - خود بخودی مادی ملطی ها و جهان بینی سراسر انگارگرائی افلاطون (بعداً) بحث بیشتری در این مورد خواهیم داشت بدانیم.

۶- شکست تاریخی اشرافیت باعث شده که انگارگان (Ideology) در قرون ششم و پنجم قبل از میلاد بتدریج جنبه ارتجاعی تری پیدا کرد و در سیر تاریخی خود کم کم به ایده های جداگانه ماده گرائی صفت

تغییر ناپذیری داد و بالاخره این ایده‌ها را مستقل از عالم مادی و اصول مطلق مبدا ساخت و همین جریان فکری است که پرورش و پیشرفت جهان‌بینی مبتنی بر اصل انگارگرائی عینی^{۱۷} را یاری داد.

یکی از خردمندان، عصر فلسفه پوئاگوراس را تشریح کرده و نتیجه می‌گیرد: فلسفه پوئاگوری نخست برخی از اصول علمی را بنحو اغراق آمیزی گسترش می‌دهد و بعد این اصل (تورم یافته) را پایه قضایای جهان می‌داند و بعداً "از این امر استفاده کرده در یک نظام کاملاً" انگارگرا مفهومات و حکم‌هایی که بشر از طبیعت بدست آورده‌است از مادر یعنی طبیعت و ماده جدا میکند و برای آن‌ها خاصیت و اهمیت خدائی قائل می‌گردد.

تفکر پوئاگوری: راه حل ریاضی، رمز نظام منسوب به پوئاگور و پیروان اوست. پوئاگور علوم زمان خود، هندسه، ستاره‌شناسی، موسیقی پزشکی، رامی‌دانست، این علوم را ماته‌ماتا (Mathemata) به معنی جمیع دانش بشری مینامیدند.

الف: در ماته‌ماتا همه چیز به عدد برمی‌گردد از این رو عدد ذات جهان است.

ب: سیستم فلسفی پوئاگور متضمن حقیقت، کلیت قانون، تناسبات ثابت، توازن، انتظام، هماهنگی است که جهان فهمیدنی بر آنها بنا شده است.

پ: پوئاگور از آنجائی که درهمه چیز تناسب، توازن، انتظام، هماهنگی و قانون می‌دید آنرا روان‌جهان اعلام کرد.^{۱۸}

عاقبت کار پوئاگوراس: می‌گویند پوئاگوراس ۹۰ سال زندگی کرده است بین سال‌های (۵۸۰-۴۹۰ ق. م) اما شورش که علیه وی برپا شد بدین‌قرار است که شخصی بنام کولون که یکی از افراد ممتاز شهر کروتون بود

۱۷- Objective idealism باین معناست، یک عقل کلی،

به معنای علم بر حقیقت و مرجع واقعیات است.

۱۸- جان ادوارد بنتلی طرحی کوتاه از تاریخ فلسفه ترجمه فریبرز مجیدی

رهبری مخالفان پوئاگوراس رابعهده گرفت و وی مجبور شد که از کروتون به شهر نزدیکی بنام متاپونتئون Metapontion مهاجرت کند و دراین شهر بقیه عمر خود را بگذراند ولی شورش علیه پیروان فیلسوف ادامه داشت چنانکه خانه پهلوانی بنام میلو (Milo) را که محل اجتماع پیروان پوئاگوراس بود آتش زدند و بسیاری از شاگردان و مریدان سوخته ، تنها دو نفر بنام آرخیپوس (Arxippos) و لوسیسی (Lysis) جان بدربردند و گریختند ویل دورانت می نویسد (فیثاغورث بنیادگذار فلسفه و علوم طبیعی اروپاست واین خود برای جاویدان ساختن نام او کافیست^{۱۹})

" پیروان پوئاگوراس "

فیلولائوس (Philolaos) و یوروتوس (Eurutos)

فیلولائوس دارای تفکر و شیوه استدلال خاص خود بود که در زیر به شرح آن می پردازیم :

ازبهم پیوستگی دو عنصر بی حد (Apeiron) و باحد Perainonton با محدود و نامحدود هستی ساخته می شود .^{۲۰}

مخصوصاً " (از بهم پیوستگی دو عنصر) بصورت تاکید است چه فیلولائوس می گوید اگر همه چیز بی حد بود قابل درک نبود بنابراین باید محدود باشد تا چیزها از ترکیب آنها حاصل شود هر چیز که بتوان آنرا شناخت عدد دارد ، زیرا ممکن نیست بتوان بدون عدد چیزی را درک کرد یا شناخت (فیلولائوس) واحد را اصل همه چیز می داند .

هماهنگی (Armonia) را اساس نظام جهانی می داند و اضافه میکند بین محدود و نامحدود اگر هماهنگی نبود بنیاد نظام عالم گذاشته نمی شد و بدین طریق می بینیم فیلولائوس به سنت پوئاگوریان وفادار

۱۹- ویل دورانت یونان باستان کتاب دوم بخش اول ترجمه دکتر ۱- ح آریان و احمدی
۲۰- هستی در نظام کلی جهان و همه چیزهای موجود در آن

شده است .

فیلولائوس همچون پوئاگوریان زمین را مرکز جهان نمی دانست و عقیده داشت زمین متحرک است و در دایره‌ای می‌گردد که همان مدارزمین در گردآتش مرکزی جهان است که خورشید و ماه و سیارات و ستارگان دیگر گرد آن می‌چرخند .

فیلولائوس در باره فیزیولوژی دارای نظریات خاص بود و هماهنگی میان نظریات پوئاگوریان و نظریات فیلولائوس دیده می‌شود فی‌المثل تشابهی بین جهان بزرگ و جهان کوچک که آدمی باشد وجود دارد .

فیلولائوس " نخستین کسی است که میان وظایف حسی و حیوانی و نباتی تفاوتی قائل شد و مرکز آنها را به ترتیب دماغ ، قلب و ناف دانسته است که (.....)

اشرافکار کلی بیش از خصوصیات داروئی بوده است و همین افکار کلی است که هیچ وقت از جریان بازنایستاده و پیوسته در طرز تفکر فیلسوفان و پزشکان موثر بوده است " ۲۱

یوروتوس (Eurutos)

در باره زندگی و زمان یوروتوس هیچ چیز نمی‌دانیم تنها می‌توانیم حدس بزنیم که وی معاصر فیلولائوس بوده است اما از ارسطو و ثئوفراستوس دو گزارش در دست داریم که برخی از نظریات یوروتوس را نشان می‌دهد . گفتیم پوئاگوریان به اعداد اهمیت اساسی می‌دادند و آنها را عوامل تعیین کننده هستی اشیاء می‌دانستند . یوروتوس نیز به پیروی از همین سنت ظاهراً " کوشیده بود که برای هر یک از هستنده ها (موجودات) عددی تعیین کند و این کار را بوسیله سنجریزه ها انجام می‌داده است . چنانکه در گزارش ارسطو یافت می‌شود :

" نیز بهیچ روی معین نشده است که به کدام معنی اعداد ، علت های ماهیات وهستی اند .

آیا به عنوان حدود، از آنجا که نقطه‌ها دارای بزرگی یعنی امتداد مکانی اند همانگونه که یوروتوس معین کرد که چه عددی از آن چه چیز است. مثلاً" این عدد از آن انسان و این عدد از آن اسب، یعنی با تشبیه شکلهای موجود های زنده به وسیله سنگریزه‌ها مانند کسانی که اعداد را به شکلهای مثلث و مربع تنظیم میکنند یا به این علت که هارمونیا رابطه‌ای در اعداد است و همچنین است انسان و همه چیزهای دیگر؟! "

الکساندراودودیسسیاس مفسر مشهور نیز در تفسیر همین نکته در گزارش ارسطو می‌نویسد:

" محض استدلال بگوئیم که تعریف انسان عدد ۲۵۰ و عدد گیاه ۳۶۰ باشد پس از تعیین این مساله وی ۲۵۰ سنگریزه را می‌گرفت برخی سبز، برخی سیاه، دیگران سرخ و خلاصه به رنگ‌های گوناگون. آنگاه دیواری را با آهک آب ندیده می‌مالید و نقشی از انسان یا گیاه بر آن طرح می‌کرد، برخی سنگریزه‌ها را در طرح چهره، برخی دیگر را در طرح دستها و دیگران را در جاهای دیگری می‌نشانید تا اینکه نقش انسان را با تعداد سنگریزه‌های مساوی با شماره واحدهائی که ادعای کرد انسان را معین می‌کنند کامل ساخت."

سرچشمه این گزارش ارخوتاس از شاگردان پوثاگوراس بوده است که تفوفاستوس آن را از زبان او در تفسیر متافیزیک ارسطو نقل میکند.

"اکنون می‌توان پرسید که یوروتوس چگونه اعداد نماینده انسان یا اسب یا گیاهی را بوسیله سنگریزه‌ها نشان می‌داده است؟ از گزارش بالا چنین برمی‌آید که وی طرحی از انسان یا گیاه می‌کشیده است و سپس تعداد معینی از سنگریزه‌ها را در اندامهای گوناگون پیکر آنها جای می‌داده است. پس وی نخست بایستی تعداد نقطه‌هائی را که در سطح هریک از اندامها قرار می‌گرفته است معین کرده باشد بطوریکه مجموع آنها نماینده عددی می‌شده است که وی برای انسان پیدا کرده بود ۲۲"

الکماين کروتونی

Alkmaion of Kroton

از میان معاصران پوئاگوراس که جریان فکری و فلسفی طرفداران وی تاثیر مهم گذاشته است کسی به اهمیت الکماين وجود ندارد .

الکماين را پدر طب پوئاگوراسيان می خوانند . سلامت را تعادل بين قوا می داند و بیماری ها عدم تعادل قوا است . نخستين پایه روانشناسی را باو منسوب میکنند و همچنین وظائف دماغ را می شناختند .

الکماين عقیده داشت که ارواح به سان اجسام فلکی دارای حرکت دورانی ابدی هستند بنابراین حرکت دورانی و جاودانگی دو مفهوم مساوی هستند و نتیجه می گیرد مرگ انسانها بدلیل بازگشت آنها به آغاز خود میباشد یعنی حرکت دورانی . یعنی حرکت زندگی بسمت سراشیبی است که زوال را دربردارد و علت جاودانگی ارواح و ستارگان حرکت دورانی آنها است . الکماين که گاهی به فلسفه طبیعی^{۲۳} می پردازد و از گزارشاتی که درباره وی نوشته شده درمی یابیم که الکماين تحت تاثیر افکار پوئاگوريان بخصوص نظریه دوگانگی و نظریه اضداد قرار گرفته بود ، گفته است^{۲۴} (چیز های مربوط به انسان دوتائی است) فی المثل سفید و سیاه ، شیرین و تلخ نیک و بد بزرگ و کوچک .

جرج سارتن در تاریخ علم علت مهاجرت الکماين به کروتون را چنین می نویسد : (. . . ممکن است که وی مانند بسیاری دیگر از معاصرانش از ترس

۲۳- اصطلاح فیزیولوژی Physiology همان معنی فلسفه طبیعی یا فیزیک را بمعنی (وسیع تر) داشته است . اسم علم فیزیولوژی امروز از همین کلمه یونانی منتهی بشکل نادرستی گرفته شده است جرج سارتن تاریخ علم ترجمه احمد آرام

۲۴- درباره نظریات الکماين می توان گفت (بنظر می آید نظریه الکماين اهل کروتون در باره دوگانگی و اضداد همین بوده که گفته شده است خواه پوئاگوريان از او گرفته باشند خواه او از پوئاگوريان) تاریخ فلسفه دکتر هومن

ایرانیان یا از ترس حکام مستبد محل از ملیوس یا (ایونیا) بکروتون مهاجرت کرده باشد .

ملیسوس^{۲۵} (Melissos)

ملیسوس مردی فیلسوف و سیاستمدار بود از وی اطلاع زیادی در دست نیست فقط از گزارشهای موجود دانسته شده که ملیوس کتابی داشته است بنام (درباره طبیعت یادرباره^{۲۶} هستند) .
ملیسوس شاگرد پارمنیدس بود (از فلسفه پارمنیدس آگاهی داریم^{۲۶} پارمنیدس هستی را واحد یک پارچه پروبی حرکت می دانست .)
ملیسوس کوشید بنحو خاصی نظریات استاد را تأیید کند .

هستی از نظر ملیوس ازلی و ابدی بدون آغاز بدون پایان و نامحدود است پرسشی است که آیا هستی از لحاظ زمانی یا مکانی نامحدود است ؟ چنانکه در بیان ملیوس آشکار می شود " هستی چه در زمان و چه در مکان لایتناهی است^{۲۷} " پس هستی که نامحدود است باید یکتا باشد در اینجا سئوالی پیش می آید که اگر هستی یکتاست باید جسمانی نباشد . و دارای ضخامت نباشد چه اگر ضخامت داشته باشد باید مرکب از چند قسمت باشد در این صورت یکتا نیست و اگر بگوئیم ملیوس هستی واحد را دارای جسم نشمارد دچار تناقض شده است چه هستی را بی پایان می داند و این چنین چیزی باید دارای جسم باشد .

ملیسوس راه را برای اتمیستها گشود که پایه هستی را بر کثرت نهادند اما هر یک از واحدهای ایشان دارای همان صفات و خصوصیات است که ملیوس برای هستی واحد می سازد .

۲۵- ملیوس پسر ایثایگنس (Ithaigenes) اهل ساموس

۲۶-۲۷- شارل ورنر حکمت یونان ترجمه بزرگ نادرزاده